بیست و سومین جشنواره‌ی تئاتر سوره ماه

نشریه روزانه جشنواره تئاتر سوره ماه ● مهر ۱۳۹۳ ● شماره چهارم ●

۲

روایت عاشقی

نمایش راست پنج گاه در مورد پیرمردی به نام پیرعطاست که در دوران جنگ منتظر بازگشت پسرش از جبهه است تا در محرم با او تعزیه حضرت علی اکبر(ع) را بخواند اما خبر می‌رسد که پسرش حبیب در جبهه به شهادت رسیده است و در نتیجه پیرمرد را مجاب می کنند...

چند توصیه کلیدی به طراحان صحنه

۶

الزام وجود در اماتورژ در یک اثر نمایشی

۷

اثرات برگزاری جشنواره سوره ماه

۷

درباره نمایش «سر گذشت در گذشت چشم»

۳ گذر از کوچه «دوچشم پیدا ها»!

نگاهی به نمایش کبوتران چاهی

۴ کبوتران که راه را گم کردند

در حال و هوای نمایش «عبور از مه»

۵ برای عبور از مه باید آفتاب شد

نمایش راست پنج گاه در مورد پیرمردی به نام پیرعطاست که در دوران جنگ منتظر بازگشت پسرش از جبهه است تا در محرم با او تعزیه حضرت علی اکبر(ع) را بخواند اما خبر می‌رسد که پسرش حبیب در جبهه به شهادت رسیده است.

گذری بر نمایش «راست پنجگاه»

روایت عاشقی

میلاد عظیمی

نمایش راست پنج گاه در مورد پیرمردی به نام پیرعطاست که در دوران جنگ منتظر بازگشت پسرش از جبهه است تا در محرم با او تعزیه حضرت علی اکبر(ع) را بخواند اما خبر می‌رسد که پسرش حبیب در جبهه به شهادت رسیده است و در نتیجه پیرمرد را مجاب می‌کنند که برای شبیه‌خوانی علی اکبر(ع) از پسر دوست و یار دیرینه‌اش که شمرخوان است و به همین دلیل به «باقی شمر» معروف شده است، استفاده کند.

در ادامه داستان از طرفی باقی شمر قصد دارد زمین خود را در جوار امامزاده وقف تکیه برای عزاداری امام حسین(ع) کند اما براثر خاکبرداری زمین ساختمان امامزاده تخریب می‌شود و به موازات این اتفاق پسر باقی شمر که قرار است جای حبیب، نسخه‌خوان حضرت علی‌اکبر(ع) باشد به این دلیل که تصور می شود نسبت به همسر شهید حبیب چشم دارد، در درگیری و اختلافی کشته می‌شود و...

در نخستین مواجهه با آنچه که به صحنه رفته است، می‌توان نشانگان رئالیسم را در نمایشنامه به سهولت یافت؛ نشانگانی که به واسطه طراحی صحنه و شیوه بازی بازیگران نیز در شکل اجرایی به شدت تقویت می‌شود اما تعدد نمادها وشیوه شخصیت‌پردازی آدم‌های پیدا و پنهان نمایش سوی دیگری از نمایشنامه را هویدا می‌سازند. از نامگذاری شخصیت‌ها گرفته تا استفاده از نشانه‌هایی خاص، همه و همه دلایلی برای تلاش سید محمد مساوات در مقام نمایشنامه نویس در گسترش مفاهیم قصه به کلیت اجتماع پیرامون ماست. با این همه در مواجه‌ای این چنین با نمایش «راست پنجگاه» باید پذیرفت از برخی نمادها ونشانه‌ها استفاده مطلوبی می‌شود، و این نمادها به حال خود رها نشده است. به نظر می‌رسد نوروزی کارگردان این نمایش با درک صحیح از الزامات اجرایی نمایش، در استفاده از فضا، موسیقی و شیوه بازی بازیگران در ایجاد اتمسفر لازم و حفظ ریتم مناسب برای اجرا به دقت عمل کرده است. میزانسن‌های عرضی و پرهیز عامدانه از حرکت بازیگران در عمق صحنه مگر در مواقع لازم، تاکید کارگردان بر باور پذیری بازی‌ها و استفاده به جا و به اندازه از رابطه دوسویه بازیگر – صحنه از نقاط حائز توجه در اجرای نمایش «راست پنجگاه» محسوب می‌شود.

> در نخستین مواجهه با آنچه که به صحنه رفته است، می توان نشانگان رئالیسم را در نمایشنامه به سهولت یافت؛ نشانگانی که به واسطه طراحی صحنه و شیوه بازی بازیگران نیز در شکل اجرایی به شدت تقویت می‌شود.

امروز در تئاتر مذهبی کمتر پیشرفتی حاصل شده است. با آن که هزینه نسبتا زیادی هم برای آن شده، اما هنوز برآیند و نتیجه مطلوبی اتفاق نیفتاده است. «راست پنجگاه» یک کار نو در زمینه تئاتر مذهبی است. همین که قالب‌های نو در خدمت موضوعات مذهبی قرار بگیرد، خودش یک حرکت نوآورانه است، زیرا اصولا تئاتر مذهبی همواره موافق با شکل های سنتی است. اما این بار اتفاقی نو طراحی و اجرا شده تا عادت مخاطب تئاتر دینی را تغییر دهد. این تغییر ذائقه لازم است و برای نو شدن تئاتر مذهبی هم یک ضرورت است وگرنه امکان دارد به تدریج از تعداد مخاطبانش کاسته شود. نوروزی کارگردان این نمایش هم درصدد برآمده تا در قالبی نو حرفی را بزند که بارها تکرار شده و البته هیچگاه هم کهنه نشده است. اما همان بهتر که تئاتر مذهبی روند رو به جلویش را پیدا کند و با گذر از این مخالفت‌های احتمالی برای ایجاد تغییر، مسیر به روز شده‌اش را بیابد وگرنه به دوران افول پا خواهد گذاشت و آن وقت درآمدنش ناممکن خواهد شد. این نمایش تلاشی مناسب و درخور توجه در زمینه تئاتر مذهبی است که باید همواره جریان داشته باشد و راهش را ادامه دهد.

نمایش «سرگذشت در گذشت چشم» جزء آثار خوب و قابل اعتنای جشنواره است که حاصل یک هم‌فکری و هم‌یاری گروهی است.

درباره نمایش «سرگذشت در گذشت چشم»

گذر از کوچه «دو چشم پیداها»!

امید حسین‌دوست

نمایش «سرگذشت در گذشت چشم» جزء آثار خوب و قابل اعتنای جشنواره است که حاصل یک هم‌فکری و هم‌یاری گروهی است، گروهی گرد هم آمده‌اند تا نمایشی را با بهره‌گیری از عناصر محیطی و بومی خود و بهره‌گیری از اتفاقات کشور دوست و همسایه افغانستان، که بدون شک اشتراکات فرهنگی زیادی نیز با یکدیگر دارند بسازند، نمایشی که بسیار ساده و شریف به یک مسئله انسانی و عمیق می پردازد.

داستان از نقطه‌ای شروع می‌شود که دزدی از دیوار خانه یک تاجر سرشناس بالا رفته است و کمرش شکسته است، اینک همه افرادی که به نوعی با این مسئله به طور اصلی یا حتی غیر فرعی مرتبط هستند از جمله بنا، خیاط لباس دختر تاجر، خود تاجر و دخترش، شکارچی! توسط نیروهای« دوچشم پیدا» که کنایه‌ای به نیروهای داعش است، برای بازجویی به میدان وسط صحنه می‌آیند. در این میان شخصیت نوازنده ساز ضربی که هیچ چیز نمی گوید جز صدای سازش در همه صحنه‌ها دیده می‌شود. حضور این فرد تا پایان به صورت مرموز ادامه می یابد.
کارگردان کار از همان ابتدای اثر با استفاده از میزانس‌های دایره‌ای و استفاده از صفحه شطرنج گرد در مرکز صحنه قصد داشت شکل روایتی گونه نمایش خود را با تماشاگرش قرارداد کند و این گونه علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های این چیدمان و حرکت، به زیبایی‌های بصری اثرش نیز کمک کند. استفاده از وسایل ساده که نامرتبط با وضع زندگی مردم در افغانستان نیست و شکل وحشیانه برخورد تمامی نیروهای حاضر در افغانستان با مردم بی گناه این سرزمین همه و همه در این اثر به شکلی زیبا و البته هوشمندانه و هنری برای تماشاگر به تصویر کشیده می‌شود.
تک تک افرادی که از آن‌ها یاد شد و مرتبط و غیر مرتبط با داستان دیوار و شکستن کمر دزد بودند، به صحنه آورده می‌شدند و آن‌ها روایت خود را با استفاده از تکنیک بازی در بازی و نمایش در نمایش روایت می کردند و در خلال این روایت اطلاعاتی از گذر زندگی خود، تاریخ افغانستان و وضعیت فعلی آن می‌دادند که به حق تصمیم مناسبی بود که از سوی کارگردان اتخاذ شده بود. پس از پایان هر روایت، فرد مورد بازجویی تقصیر را به گردن دیگری می‌انداخت، به طور مثال بنا تقصیر بلند شدن دیوار ساخته دست خود را حاصل رفت و آمد دختر تاجر، دختر تاجر علت رفت و آمد زیاد خود را (که در فرهنگ مردم افغان این رفت و آمد بدون برقعه بسیار نادر و مذموم است) رفتن بی‌حد و حصر به خیاط خانه به خاطر بهانه‌های خیاط و خیاط علت این بهانه جویی‌ها را به دلیل این که لباس دختر توسط شکارچی به زور خریداری شده است عنوان می کند و تا پایان این بهانه تراشی‌ها وجود دارد.

از نکات مثبت این نمایش بازسازی واقعه‌ها توسط بازیگران است که به حق خود ادا شده است و نشان می‌دهد که در یک کار گروهی و یک سیستم فکر گروهی این مطلب اتفاق افتاده است. تراژدی این نمایش درست در نقطه‌ای آغاز می‌شود که دیگر خبری از شوخی‌ها، طنازی‌ها و ادا در آوردن‌ها نیست، اینک همه خود را بی گناه معرفی کرده‌اند و تقصیر را به گردن دیگری انداخته‌اند و از مهلکه گریخته‌اند. مانند آغاز نمایش تمامی شخصیت‌ها دوباره گرد هم آمده‌اند و خوشحال از این که از مهلکه گریخته‌اند غافل از این که دیو ظلم و جور در همان نزدیکی فرد بیگناهی را عقوبت می کند، نوازنده ساز را! شوک نمایش در این نقطه رقم می خورد، نوازنده ساز ضربی که هرگز با بی‌ربط ترین جمله‌ها و عمل‌ها نیز نمی توانست در این ماجرا مقصر یا شریک باشد عقوبت سختی می‌شود و چشم‌هایش را از دست می‌دهد و در می گذرد. کارگردان این نمایش با این شوک به تماشاگر قصد داشت عناد نیروهای تندرو با هنر و موسیقی و تنهایی اهالی هنر و هنرشان را در جامعه تصویر کند و از سوی دیگر با تکیه بر همین موضوع موسیقی، این نکته را به مخاطب خود گوشزد کند که این هنر است که می تواند افتراق، ترس، جنگ و ویرانی را به سخره بگیرد و عامل یک‌دلی و صلح و آرامش در میان انسان‌ها شوند. جایی که از دو چشمان در گذشته و نابینای نوازنده ساز، دو گل سرخ می‌روید و او هنوز می‌نوازد و هنر نمی‌میرد و می‌زاید بدون هیچ توقفی.

کارگردان کار از همان ابتدای اثر با استفاده از میزانس‌های دایره‌ای و استفاده از صفحه شطرنج گرد در مرکز صحنه قصد داشت شکل روایتی گونه نمایش خود را با تماشاگرش قرارداد کند.

نگاهی به نمایش کبوتران چاهی

کبوترانی که راه را گم کردند

علی پورموسی

نمایش «کبوتران چاهی» همان گونه که از نام اثر پیداست در مورد زائران امام رضا است، تعدادی خانم، برای زیارت به سوی حرم امام رضا در حرکت هستند و رئیس این هئیت مذهبی فردی به نام «سیده خانوم» است که نقش رهبری او بر این جمع رفته رفته برای مخاطبان مشخص می‌شود.

این نمایش تلاش داشت که با استفاده از چند حرکت در سکوت و بدون دیالوگ ایجاد فضا سازی کند که در این امر ناموفق بود و تنها باعث خستگی تماشاگران شد، بر کسی پوشیده نیست که یکی از قواعد اصلی برای آغاز تئاتر آماده کردن ذهن مخاطب با استفاده از سکوت، موسیقی یا حرکت نرم است؛ اما در این اثر نمایشی، کارگردان با استفاده برخی حرکات فرم، استفاده از چند زن فانوس به دست و یک موسیقی سوزناک، قصد ایجاد یک فضای قدسی و فرازمینی را داشت که عملا ناموفق بود، حتی اگر کارگردان به دنبال شکستن عادت مالوف و همیشگی تئاتر بود، باید به شکل شایسته تری دست به این عمل می‌زد که اتفاقات اولیه نمایش «کبوتران چاهی» نیفتد. اثر با حالتی شلوغ و متشنج آغاز می‌شود و حرکات و رفتار بیهوده و بی ثمر در کلیت اثر که تنها قوای بصری و شنیداری تماشاگر را مغشوش می کند، نتیجه دیگری در پی ندارد؛ گویی کارگردان کار عملا با بازیگران خود در خصوص حرکات صحنه، قرارداد ثابت و کاملی ندارد و هر بازیگر به فراخور حال صحنه و هوای بازیگران دیگر، دست به حرکتی می‌زند. از تمام این شلوغی‌ها که بگذریم، گویی بازیگران هنوز در سال‌های تمرین نمایش‌های ابتدایی باز ایستاده‌اند و می خواهند نمایشی را برای یکی از مراسم مدرسه آماده کنند، فریادزدن‌های بی‌مورد، حرکات کنترل نشده و نگاه مدوام به تماشاگران از این دست اشکالات بازیگران است. در سوی دیگر شاید این متن برای اجرای، نیاز به تغییرات اساسی داشته است که یا کارگردان از کنار آن‌ها گذشته است یا به راستی به آنها پی نبرده است. به طور مثال هیچ کدام از کاراکترهای حاضر بر صحنه نمایش، علیرغم تلاش‌های بسیاری برای شخصیت‌سازی از یک شخصیت منسجم و تعریف شده بهره‌ای نمی‌برند و تنها در حد یک تیپ و بازی‌های تیپیکال باقی می‌مانند از جمله این موارد می توان به شخصیت‌های تیپیکال مادر نگران، دختران هراسان، زن فاسد و زن فضول اشاره کرد و با دقیق شدن در آن‌ها و مرور تاریخچه برخی اجراها، آن‌ها را به آسانی به یاد بیاوریم. شاید می‌شد با اندیشیدن یک تمهید درست، اثر را از این وضعیت خارج کرد و به سمتی درست هدایت کرد.

ارجاعات مذهبی در این نمایش با وجود غنایی که دارد، شعارگونه است. این امر حتی در همان شخصیت‌های تیپیکال که از آن‌ها سخن رفت نیز مشاهده می‌شد، بر کسی پوشیده نیست که دیگر دوران برخورد با مسائل معنوی و مذهبی به این شکل سرآمده است و باید فارغ از نور سبز و المان‌های مربوط به ارجاع به مذهب باشد. حضور سیده خانوم به عنوان یک واسط، نمی تواند کل بار بالانس افراد درگیر و نگران حاضر بر صحنه را به دوش بکشد و زمانی که می گوید اینجا شبیه علمیات است و شاید برگشتی نباشد، مخاطب را دچار سردرگمی می کند زیرا هیچ پیش زمینه مناسبی برای ورود به این مبحث آماده نشده است و مخاطبان به طور ناگهانی با یک موقعیت جدید مواجه می‌شود.

طراحی صحنه این نمایش علی‌رغم طراحی مناسبی که دارد، نمی‌توانست کاربردی باشد؛ وجود پرده‌های نازک جلوی صحنه چه کارکرد مثبتی در روند آشنایی مخاطب با اثر دارد؟ چه کمکی کلیدی به نمایش می کند ؟ این‌ها سوالاتی است که باید در خصوص طراحی صحنه مطرح شود و جواب‌های مقتضی به آنها داده شود. اگر پرده مقابل تماشاگر قصد ایجاد شکاف با تماشاگر را دارد یا می‌خواهد فضایی جدا شده از این جهان را به تماشاگر نشان دهد، هر چه که باشد نتوانسته مناسب عمل کند. می‌توان اینگونه به این اثر نگاه کرد، که علی جاور تلاش داشته است مسئله مرگ و معنویت و برابری انسان‌ها را به تصویر بکشد و بگوید که انسان‌ها را نباید زود قضاوت کرد و حتی یک زن با اخلاق فاسد هم می‌تواند اعتقادات ارزشی و مذهبی خود را داشته باشد.

نمایش، علیرغم تلاش‌های بسیاری برای شخصیت‌سازی از یک شخصیت منسجم و تعریف شده بهره‌ای نمی‌برند و تنها در حد یک تیپ و بازی‌های تیپیکال باقی می‌مانند از جمله این موارد می توان به شخصیت‌های تیپیکال مادر نگران، دختران هراسان، زن فاسد و زن فضول اشاره کرد.

نمایش «عبور از مه» را می توان جزء آن دسته آثاری دانست که مفاهیم معنوی را در قالب یک داستان مدرن و یک ماجرای نوین روایت می کند.

در حال و هوای نمایش «عبور از مه»

برای عبور از مه باید آفتاب شد

میثم باقی

نمایش «عبور از مه» را می توان جزء آن دسته آثاری دانست که مفاهیم معنوی را در قالب یک داستان مدرن و یک ماجرای نوین روایت می کند. روایتی در خصوص یک ماجرای ساده است که به دنبال این مفهوم می گردد که اگر قدمی را به نادرست برداشته‌ای و حتی اعتقادی به موضوع عقوبت یک عمل خطا نداری، این پایان کار نیست و در واقعیت و خیال تو را دنبال خواهد کرد.

این نمایش روایت گر دیدار دو مرد است در یک آتلیه فیلم عکس، الیاس که صاحب آتلیه است و اعتقادات مذهبی درستی ندارد، بنا به گفته خودش در سال گذشته زمین پدری‌اش را در روستای سنگسر از توابع شهر رشت به یک مرد به ۱۳۰ برابر قیمت واقعی‌اش فروخته است، زیرا به دروغ به این مرد گفته است که در آن زمین یک امامزاده دوقلو است، مرد دوم که قدرت است از سنگسر و از سوی مرد خریدار زمین برای آن که، الیاس به مراسم تولد فرزند یک ساله‌اش بیاید و از او فیلم بگیرد. فرزند قدرت که مرتضی نام دارد، در یک سالگی قرآن می خواند، یک‌سری اتفاقات غیر عادی از زمان حضور قدرت در آتلیه می افتد و در نهایت الیاس به خواب‌های پریشانش در مورد فروش زمین با دروغ و ریا می گوید و نمایش با پایانی باز به اتمام می رسد.

داستان درست از نقطه‌ای آغاز می شود که الیاس در مقابل دوربین می نشیند و می گوید که زمین پدری‌اش را به ۱۳۰ برابر قیمت به یک روستایی فروخته است و در این معامله سر او کلاه گذاشته است، زیرا به خریدار زمین گفته است که در این زمین یک امامزاده دوقلو دفن شده‌اند و حتی بسیاری از مردم برای گرفتن نذر و نیاز به آن سو روان شده‌اند اما با دخالت ادارات دولتی این امامزاده جمع شده است و به گفته پسر بسیاری از نان خوردن افتاده‌اند!

در همین حین مردی از روستای سنگر وارد می شود به نام قدرت، او از الیاس می خواهد که برای گرفتن فیلم تولد پسرش به روستای آن‌ها برود، ابتدا الیاس قبول نمی کند اما با دیدن پول زیادی که به او به عنوان بیعانه می دهد قبول می کند و داستان تا پایان درگیر نوعی رئالیسم جادویی همراه با اتفاقات غیر مادی و ماورایی همراه می شود، از رفتن برق، سریع آمدن مرد از پله‌ها، بی‌وزن قدرت بر روی ترازو تا ربط داده شدن حاملگی دوقلوی‌های قدرت تا کارگردان بتواند یک فضای عقوبتی برای الیاس که اصلا هم در قید و بند اعتقادات مذهبی و اخلاقی نیست برای مخاطبان بسازد. کارگردان تلاش دارد یک سیستم معنوی عقوب‌گرا را که اتفاقات در یک بستر مدرن روایت می‌شود و به نوعی به دنبال این موضوع است که در شرایط پیچیده امروز هم می توان به معنویت پرداخت آن هم به شکلی نه سنتی بلکه کاملا امروزی و تنیده در مسائل روز قابل بررسی است.

بازی بازیگران این نمایش تا حدودی زیادی قابل قبول است، به خصوص بازیگر نقش قدرت که دست به ایجاد یک شخصیت روستایی درست فارغ از تمامی کلیشه‌های گذشته زده است و به خوبی توانسته است انسانی را بر صحنه حاضر کند که ماورایی است. در قسمت‌هایی از بازی الیاس اغراق‌های بی جا و بی مورد دیده می‌شود که شاید با حذف آن بتواند به بهتر شدن این اثر کمک کند.

طراحی صحنه این نمایش با بهره گیری از یک دوربین که به شکل مداربسته تصاویر را می گیرد و در یک مانیتور به مخاطب نیز نشان می‌دهد، به خوبی توانسته است فضای مدرن را به تماشاگر القا کند. اما شلوغی قسمت‌های بلا استفاده صحنه به خصوص آشپزخانه می توانست به صورت مینیمال تر عمل می کرد و از اجزا تزئینی کمتر در این نمایش استفاده می‌شد.

> در طراحی لباس قدرت دقت خوبی به چشم می خورد؛ اما با این حال کارگردان این نمایش می توانست با انتخاب شکل دیگری از لباس الیاس، مفاهیم و عناصر شخصیتی او را بهتر به تصویر بکشد و به مخاطب خود ارائه دهد. در مجموعه نمایش «عبور از مه» پتانسیل خوبی برای تبدیل شدن به یک اثر نمایشی موفق تر را دارد.

> بازی بازیگران این نمایش تا حدودی قابل قبول است، به خصوص بازیگر نقش قدرت که دست به ایجاد یک شخصیت روستایی درست فارغ از تمامی کلیشه‌های گذشته زده است و به خوبی توانسته است انسانی را بر صحنه حاضر کند که ماورایی است.

گزارشی از کارگاه «رابطه کارگردان با طراح و طراحی صحنه در تئاتر»

چند توصیه کلیدی و کاربردی به طراحان صحنه

میلاد محمدوند

اگر مخاطب ثابت این دوره جشنواره تئاتر سوره ماه بوده باشید، می‌دانید که در کنار اجرای روزانه نمایش‌ها، کارگاه‌های علمی تئاتر نیز برگزار می‌شوند. کارگاه «رابطه کارگردان با طراح و طراحی صحنه در تئاتر» نیز از جمله همین کارگاه‌ها بود که در سالن اوستا حوزه هنری برگزار شد.

پیام فروتن که کارشناس این کارگاه بود در ابتدای نشست ضمن اشاره به این که طراحان تئاتر باید از دو روش به طراحی متن نمایشنامه بپردازند، گفت: ابتدا باید متن تحلیل شود سپس به زمان و مکان برسیم و در انتها فضا را ترسیم کنیم. در حالتی دیگر از درک فضا به زمان و مکان و سپس به تحلیل برسیم. طراح صحنه مثل بازرس صحنهٔ جرم می‌ماند.

همان‌طور که بازرس پس از بررسی صحنهٔ جرم و جمع کردن شواهد و داده‌های خود به نتیجه می‌رسد، طراح نیز با درک متن و بررسی آن باید به ارائه یک طرح خوب و متناسب با متن نمایشنامه می‌رسد.

بعضی از کارگردانان تئاتر فرانسوی نیز معتقد هستند که اگر طراح صحنه متن را بیش از یک بار بخواند، وارد فضای تحلیل می‌شود که این موضوع فقط در حیطهٔ کارگردان و نمایشنامه‌نویس قرار دارد و طراح نباید وارد این فضا شود.

فضاسازی در تئاتر

این کارشناس حرف‌هایش را این گونه ادامه داد: در فضاسازی باید به تحلیل برسیم که دو حالت دارد یا منجر به نتیجه خوشایند خواهد شد یا این که در راستای تحلیل کارگردانی به نتیجهٔ خوبی ختم نمی‌شود. اثر آبستره‌ای که خلق می‌شود می‌تواند احساسات مختلفی را در مخاطب ایجاد کند که این موضوع نیز در خصوص طراح صحنه جامعیت دارد و او نیز با خلق صحنهٔ نمایش احساسات متفاوتی را در مردم به وجود می‌آورد.

تئاتر مفهومی

فروتن در ادامه این کارگاه نکاتی را از مرحوم سمندریان یادآوری کرد و گفت: استاد معتقد بودند زندگی واقعیت است در حالی که تئاتر مفهومی است از زندگی که به آن پر و بال داده شده است. در طراحی یک اثر ابتدا ایده‌ای به ذهن طراح می‌رسد و سپس اسکیس (طرح اولیه) را آماده می‌کند و بعد از آن با کارگردان به تبادل نظر می‌پردازد و در رابطه با اشتراکات و نقاط ابهامی که وجود دارد به یک اجماع می‌رسند. سپس طراح باید شروع به ساخت ماکت کند و در جلسه‌ای که با حضور سایرعوامل گروه برگزار می‌شود از نظرات آن‌ها استفاده کند. یکی از مشکلات طراحان صحنه این است که به ایده می‌رسند ولی در ادامهٔ کار آن را رها می‌کنند؛ در حالی که می‌شود با پرورش دادن آن به نتیجهٔ خوبی رسید.

تمرین و دوباره تمرین

این کارشناس تئاتر تمرین را فاکتوی جدایی ناپذیر در فهم مسائل تئاتری دانست و اظهار کرد: همان طور که بازیگر با تمرین‌های مداوم و مکرر به تکامل می‌رسد طراح نیز با انتقال این نظرات می‌تواند در وسایلی که ربطی به میزانسن (صحنه آرائی) ندارند، تغییراتی جزیی دهد. طراح صحنه نباید خیلی آشکار المان‌هایش را برای مخاطب به نمایش بگذارد. همان‌طور که ما از مواج بودن یا آرام بودن آب پی می‌بریم که کف آن سنگی یا ماسه‌ای است، طراح نیز باید با طرح خود در ارائه حس معنایی مورد نظرش به مخاطب تلاش کند.

فروتن یکی از روش‌های موثر در طراحی صحنه را مینیمالیست دانست و عنوان کرد: برای رسیدن به مینیمالیست باید جزئیات اضافی حذف شود و با استفاده از المان‌های اصلی و ضروری و حذف سایر چیزهایی که ممکن است بار تجملاتی داشته باشد به یک طرح مینیمالیستی رسید. سادگی موضوعات و بیان آن‌ها به فرم خاص مثل اشکال هندسی نیز از مشخصه‌هایی است که این سبک دارد. طراحی صحنه می‌تواند سوررئالیست باشد در حالی که متن نمایشنامه به صورت رئالیست ارائه شده است و این دو مقوله خیلی با هم در تضاد نیست. اگر موضوع نمایشنامه‌ای در خرابه اتفاق افتاده باشد، می‌توان با ابتکاری تازه مخاطب را به جای حضور در سالن نمایش به محیط برد. کنش خلاق موضوعی است که در میان طراحان ما کم رنگ شده است و باید آن را احیا کرد.

گفتگو با محمد احمدی

مسئله خانواده یک موضوع جهانی است

سجاد میرآبادی

محمد احمدی از کارگردانان شرکت کننده در بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه با نمایش «اوکاریتوی قهوه‌ای» است که به روایت زندگی یک خانواده می‌پردازد که پدر خانواده دختر و همسرش را به خاطر اندیشه‌های سیاسی‌اش ترک می‌کند و پس از سال‌ها بر می‌گردد. او اینک دیگر بخشیده شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفتگوی ما با کارگردان این نمایش است.

آقای احمدی در مورد علل حضور در این جشنواره برای خوانندگان ما بگویید.

من جزو افرادی هستم که از قدیم در این جشنواره حضور دارم و این هفتمین اثر نمایشی است که برای این جشنواره تولید کرده‌ام. به شخصه این فضای جشنواره تئاتر سوره ماه را دوست دارم و فکر می‌کنم این جشنواره می‌تواند پلی برای رسیدن به اجرای عموم آثار نمایشی باشد.

نظرتان در خصوص موضوع آثار نمایشی در جشنواره چیست؟

من جزو قدیمی‌ترین افرادی هستم که در جشنواره سوره ماه حضور داشته‌ام، نمایش «اوکاریتوی قهوه‌ای» هفتمین اثری است که در این جشنواره شرکت می‌دهم و برای بسیاری از آن‌ها اجرای عموم داشته‌ام. گروه‌های اجرایی علاقه دارند که با حضور در این جشنواره آثار خود را در معرض دید عموم بگذارند.

باید تلاش کنیم که آثار نمایشی که با موضوعات دین و خانواده تولید می‌شود وارد حیطه شعارزدگی نشود، به شخصه از کلیشه‌ها فرار کرده‌ام تا محتوای اثر سطحی نشود و بتواند پیام خود را به مخاطب منتقل کند.

درباره همکاری با حوزه هنری و شرکت در جشنواره تئاتر سوره ماه بگویید.

من یک کارگردان مخاطب محور هستم، زمانی که برای یک نهاد خاص نمایشی را آماده می‌کنید، باید با سیاست‌های خاص همان نهاد منطبق باشد، هر نهادی برای تولید اثر سیاست‌های خاص خود را برای انتخاب اثر دنبال می‌کند، در وهله نخست این می‌تواند این دیدگاه بر انتخاب متن توسط کارگردان تاثیر گذار باشد. من به عنوان کارگردان همیشه تلاش داشته‌ام که متنی را جهت تولید آثار نمایشی انتخاب کنم که در گام نخست برگرفته از دغدغه‌های شخصی و هنری خود باشد و از سوی دیگر به جشنواره و سیاست‌های اصولی آن منطبق باشد، تا بدین صورت بتوانم در جشنواره‌ها اثر خود را ارائه دهم.

در خصوص مسئله خانواده و پرداختن به آن چه نظری دارید؟

مسئله خانواده یک موضوع جهانی است که در هر فرهنگی به نوبه و شیوه خود به آن می‌پردازند و در تمامی آن‌ها بر روی بنیان خانواده و تحکیم این بنیان تاکید و سفارش می‌شود.

اثر نمایشی خود و ارتباط آن با مسائل خانواده و دین را چگونه بررسی می‌کنید؟

سیستم جامعه با مسائل دینی – اسلامی آمیخته است و تمامی شئون آن برگرفته از شیوه‌های اعتقادی و مذهبی است، به ندرت شخصی در جامعه با مسائل مذهبی مخالفت می‌کند و نگاه مثبتی در اکثریت جامعه وجود دارد. اثر نمایشی من رنگ و لعاب مذهبی دارد و به مسائل خانواده می‌پردازد.

نظرتان در خصوص ادامه این مسیر تولید آثار چیست؟

باید تلاش کنیم که آثار نمایشی که با موضوعات دین و خانواده تولید می‌شود وارد حیطه شعارزدگی نشود، به شخصه از کلیشه‌ها فرار کرده‌ام تا محتوای اثر سطحی نشود و بتواند پیام خود را به مخاطب منتقل کند. باید مسائل اعتقادی را در لایه‌های پنهان به مردم عرضه کنیم تا تاثیر گذار باشد و نمایش‌هایی با تم‌های خانواده و مذهب بتواند مسیر تعالی خود را به نحو احسن طی کند.

بررسی موضوع روابط دراماتورژ و کارگردان یکی از بحث‌های جدی تئاتر است که همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. این که دراماتورژ چه نقشی را در قوام و شکل گیری یک نمایش ایفا می کند و...

در کارگاه روابط «دراماتورژ و کارگردان» بررسی شد

الزام وجود دراماتورژ در یک اثر نمایشی چیست؟

علیرضا قاسمی

بررسی موضوع روابط دراماتورژ و کارگردان یکی از بحث های جدی تئاتر است که همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. این که دراماتورژ چه نقشی را در قوام و شکل گیری یک نمایش ایفا می کند یا این که الزام وجود دراماتورژ در یک اثر نمایشی چیست؟ و ... این مباحث در کارگاه «روابط دراماتورژ و کارگردان» مورد بحث قرار گرفت.

مهرداد رایانی مخصوص که از چهره‌های مطرح دانشگاهی و آکادمیک تئاتر ایران به حساب می آید، مدرس این کارگاه بود. او صحبت هایش را با اشاره به اهمیت نقش کارگردان در یک نمایش آغاز کرد و گفت: بازیگر، نور، کارگردان، متن، مخاطب و صحنه از الزامات اجرا است که حتماً باید وجود داشته باشد. مدیریت و برقراری نظم و نسق امور اجرایی نمایش بر عهده کارگردان است که در صورت آگاه نبودن او بر این وظایف، کار از پیشرفت قابل ملاحظه ای برخوردار نخواهد بود.

رایانی مخصوص در ادامه این کارگاه از دراماتورژ به عنوان مفسر در کنار گروه ها نام برد و گفت: آن‌ها به خواندن نمایش و آشکار کردن عناصر آن برای برقراری تناسب ها اقدام می کنند. آن ها همچنین در مقام مشاور در کنار گروه و کارگردان قرار دارند. این افراد متنی که آوردهٔ اولیه است را پرورش می دهند و در آن تغییراتی ایجاد می کنند و متناسب با فضای نمایش و امکانات به گروه مشورت می دهند.

وی همفکری با دراماتورژ را در کار نمایش بسیار تأثیرگذار دانست و گفت: این موضوع سبب نمایان شدن نقاط ضعف و تاریک نمایش می شود و در تبیین و رشد اثر به گروه کمک خواهد کرد. آن ها برای کشف نسبت ها و منطق به بررسی متن نمایش، شرایط گروه و نوع سالن می پردازند و به انتقال آن به کارگردان جهت اخذ تصمیمات مؤثر اقدام می کنند. موضوع دیگری که در این کارگاه مطرح شد بحث جایگاه کارگردان در درک صحیح از موقعیت کاری دراماتورژها بود؛ رایانی در این خصوص هم گفت: اگر کارگردان ها در نهان خود به این درک برسند که نمایش کاری تیمی است و نیاز به مشاوران هنری وجود دارد، دراماتورژ به مفهوم واقعی خود می‌رسد. در تئاترهای بزرگ جهان چند دراماتورژ در کنار مدیران تئاتر قرار دارند که وظیفهٔ آن ها خواندن نمایشنامه‌ها و تماشای اجراهای مختلف است و پس از آن ارائه مشاوره به مدیران درخصوص متناسب بودن نمایش با سالن و زمان برگزاری آن است. این دیدگاه که وجود اینچنین افرادی در تئاتر ما نیاز است باید در مدیران ما نیز نهادینه شود.

رایانی مخصوص که یکی از داوران بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه نیز هست به یک موضوع حساس دیگر هم اشاره کرد و درخصوص خودداری کردن گروه ها از درج عنوان دراماتورژ در تبلیغات نمایش بیان داشت: این موضوع اساساً اشتباه است و باید به جای عنوان نویسنده از عنوان دراماتورژ یا بازبین استفاده شود. کارگردان پس از مشورت با دراماتورژ باید از خودش در مورد نحوهٔ نورپردازی، دکور و دیگر عوامل اجرا سؤال کند که آیا معنای مستتر در ذهن او برای مخاطب قابل فهم است یا خیر.

این مدرس تئاتر در صحبت هایش در این کارگاه را این گونه به پایان برد: ایجاد یک موضوعی که مخاطب را به برداشت‌های متفاوتی برساند به شرط گمراه نکردن مخاطب می تواند مؤثر واقع شود و او را به داده هایی متفاوت بکشاند. برای دست یافتن به این موضوع نباید تماشاگر را از جهت اصلی نمایش خارج کنیم چراکه این موضوع از وظایف خطیر کارگردان به شمار می رود. دراماتورژها در طول اجرا هم حضورشان باید احساس شود و هم نشود. همچنین این افراد می توانند از عوامل گروه باشند ولی توصیه این است که خارج از گروه انتخاب شوند تا فرصت فکر کردن نسبت به اجرا را داشته باشند.

همراه با علی جاور

اثرات برگزاری جشنواره سوره ماه

علی جاور از کارگردانان شرکت کننده در بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه با نمایش «کبوتران چاهی» است که به روایت تعدادی از زائران امام رضا می‌پردازد که اتوبوس‌شان خراب می‌شود و در راه می‌مانند و سرنوشت عجیبی را پیدا می کنند. در ادامه گفت‌گوی کوتاه ما با این کارگردان را می‌خوانید.

آقای جاور نظرتان در خصوص این دوره از جشنواره چیست؟

مهم‌ترین اتفاقی که می‌توان از جشنواره در زمان فعلی مشاهده کرد، کنار هم بودن گروه‌ها و دیدن آثار یکدیگر است، رقابتی که باید با رفاقت همراه باشد تا تاثیرات مثبت آن مشخص شود. اثرات بلند مدت و ریشه‌ای این شکل از رقابت‌ها در آینده مشخص می‌شود که باید مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد تا بتوان از آن به عنوان یک سند راهبردی در جهت گسترش و تعالی جشنواره سوره ماه بهره جست.

بسیاری از آثار این جشنواره برگرفته از جشنواره‌های منطقه‌ای است، تاثیر این جشنواره‌ها را چگونه می‌بینید؟

تصمیم اتخاذ شده از سوی حوزه هنری در خصوص برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای آن هم به صورت رقابتی امری مبارک است که باعث گرم‌تر شدن تنور جشنواره‌های تئاتری و جنب و جوش جوانان شده است و اثرات مثبت آن به خوبی در آینده قابل ملاحظه است. اثراتی که نیاز از آن‌ها غافل شد و باید به صورت تمرکز یافته و سیستماتیک برنامه‌ریزی شود تا شاهد رشد این مقوله باشیم.

نظرتان را در خصوص موضوعات آثار نمایشی در فراخوان جشنواره سور ماه چیست؟

جشنواره سوره ماه و اهداف حوزه هنری برای برگزاری آن مشخص است و هنرمندان متعهد و ارزشی روی به این عرصه آورده‌اند و فعالیت‌های خود را در این زمینه متمرکز کرده‌اند، آن‌ها آثاری را تولید می کنند که در فراخوان جشنواره و اهداف معین شده حوزه هنری جایگاه خاص خود را دارند. آروز داریم در سال‌های آینده متونی منطبق با موضوعات فراخوان‌های جشنواره تولید شود، متونی که از موضوعات بکر بهره ببرد. اثر تولیدی باید علاوه بر جدید بودن و کیفیت همسو با خط مشی حوزه هنری باشد، به این ترتیب هم هنرمندان با خط و ربط‌های اصلی آشنا می‌شوند، هم آثار ارزشی - معنوی تولید می‌شود و هم در نهایت کیفیت کل جشنواره تعالی پیدا می کند.

اقبال حوزه هنری در میان هنرمندان شهرستان را در چه حد و میزانی می‌دانید و دلیل آن چیست؟

دلایل متعدی برای این اقبال حوزه هنری در میان هنرمندان وجود دارد، یکی از این دلایل اهمیت به نسل جوان است، از سوی دیگر اهداف حوزه هنری برای تولید آثار فاخر و پرورش نسل جدید، خود باعث ایجاد رویکرد مثبت به این نهاد فرهنگی است، بسیاری از هنرمندان که با تفکر حوزه هنری اقدام به تولید اثر می کنند، در آینده جایگاه خود را پیدا می کنند، این موضوع خود به تنهایی می تواند یک الگوی مناسب برای جوانان خوش فکری باشد که در سال‌های آینده پرورش یافته و به جامعه هنری کشور اضافه می‌شوند.

بیست و سومین جشنواره‌ی تئاتر سوره ماه

نشریه‌روزانه جشنواره تئاتر سوره ماه
صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
سردبیر: فرنگیس یعقوبی
دبیر تحریریه: محمد حسین سلیمی

همکاران: امید حسین دوست
حنیف سلطانی، علی مهدوی، رسول فاتحی
علی پورموسی، بهناز شیربانی و...
امور هنری و گرافیک: داود پیشکار

عکاس: علی حدادی‌اصل، محسن سیدی
مرتضی رحمانی فرزاد
نشانی: خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ حوزه
هنری سازمان تبلیغات اسلامی

تماشاخانه